

پرونده شخصیت

در حقوق کیفری ایران و فرانسه*

- باقر شاملو^۱
- مهدی گوزلی^۲

چکیده

مطالعه شخصیت انسان از دوران قدیم مورد توجه بوده است و نظرات مختلفی در این باره عنوان شده است. پرونده شخصیت که ضرورت تشکیل آن برای فرایند کیفری از نیمه دوم سده بیستم مورد توجه قرار گرفته است، حاوی نتایج مطالعات و آزمایشهای روان‌شناسی، پزشکی و اجتماعی درباره متهم و محکوم است. دست‌اندرکاران عدالت کیفری با مطالعه این نتایج و به طور کلی اقدامات انجام‌یافته، سعی در تطبیق مجازاتها، اقدامات تأمینی و تربیتی و به طور کلی تصمیمهای قضایی با شخصیت متهم یا بزهکار دارند. تشکیل چنین پرونده‌ای در حقوق کیفری ایران، در برخی قوانین از جمله در مواد ۲۲ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی و مواد ۳۷، ۳۹، ۵۹ و ۶۳ لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ و نیز در مواد ۴۷ و ۶۴ آیین‌نامه اجرای سازمان زندانها و اقدامات تأمینی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۳۱.

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (bagher.shamloo@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (mehdi.gozali@yahoo.com).

و تربیتی کشور به طور ضمنی یا صریح مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، تشکیل چنین پرونده‌ای در مراحل رسیدگی کیفری الزامی نیست. این در حالی است که در برخی کشورها مانند فرانسه، تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی در مورد جرایم جنایی الزامی است و در مقام اعطای تعلیق و آزادی مشروط نیز رجوع به پرونده شخصیت ضرورت دارد. وازگان کلیدی: پرونده شخصیت، بزهکار، حقوق کیفری، اصلاح و درمان، بازپروری.

مقدمه

پدیده مجرمانه، یک واقعیت انسانی، اجتماعی و حقوقی است که با توجه به مطالعات جرم‌شناختی معمولاً دو دسته از عوامل در ایجاد آن مؤثرند. یک دسته، عوامل درونی و شخصی یا همان مسائل روانی و جسمانی و فیزیولوژیکی و دسته دیگر، عوامل بیرونی و خارجی که شامل محیط طبیعی، محیط اجتماعی و اخیراً محیط اجتماعی مجازی است. فرد در نتیجه ترکیب و تعامل این عوامل، مرتکب جرم می‌شود. بدون تردید تعیین مجازات بدون بررسی این علل و عوامل و نیز ویژگیهای بزهکار، ما را از مهم‌ترین اهداف مجازاتها، یعنی بازدارندگی یا بازپروری مجرم دور خواهد کرد.

حقوق جزایی، با ظهور مکاتب و جنبشهای مختلف، به تدریج به وضعیت روانی مجرم توجه کرد و در بسیاری موارد، شخصیت بزهکار به شکل علمی مورد توجه قرار گرفت و شناخت شخصیت مجرم به منظور تشخیص واکنش متناسب و نیز استفاده از نهادهایی مانند تعلیق، آزادی مشروط و... از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در همین راستا، برای شناسایی خصوصیات فردی و اجتماعی بزهکاران، تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری مرتکب جرم مورد تأکید سیاست‌گذاران جنایی واقع شد.

پرونده شخصیت که ضرورت تشکیل آن در رسیدگی کیفری از نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته، به پرونده‌ای اطلاق می‌شود که در کنار پرونده کیفری تشکیل می‌شود و مشتمل بر اطلاعاتی از وضعیت عمومی و خاص مجرم، مانند شرایط روانی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است. این پرونده، تصمیم‌گیران و

متولیان عدالت کیفری را به سوی گزینش روشهای مناسب بالینی سوق می‌دهد و ایشان متناسب با اطلاعاتی از قبیل آزمایشها و تحقیقات انجام‌یافته، تدابیر مناسب کیفری را با هدف اصلاحی و درمانی اتخاذ می‌کنند. به عبارت دیگر، در پرونده شخصیت، جنبه‌های انسانی و اجتماعی جرم با مطالعه گذشته خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی و فیزیولوژیکی مباشر آن و نیز انگیزه ارتکاب جرم و به طور کلی حالت عمومی بزهدار و... بررسی می‌شود. روشن است که در این رابطه جرم‌شناسی با بهره‌گیری از کمک سایر علوم همچون روان‌شناسی، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی، در بررسی انگیزه‌های بزهدار گامهای بارزتری برداشته است.

پرونده شخصیت می‌تواند در تمام مراحل دادرسی، یعنی مرحله تحقیقات مقدماتی، محاکمه، صدور حکم و اجرای مجازات تشکیل شود. در قوانین کیفری بسیاری از کشورهای اروپایی، لزوم تشکیل چنین پرونده‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. در حقوق کیفری فرانسه، در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیق درباره شخصیت اشخاص متهم، وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی آنها پیش‌بینی شده است. با این وجود در موضوعات جنحه‌ای، این تحقیق اختیاری است. همچنین در مرحله صدور حکم و در مقام اعطای تخفیف (موضوع مواد ۱۸-۱۳۲ تا ۲۰-۱۳۲ ق.م.) و تعلیق مجازات (موضوع مواد ۲۹-۱۳۲ تا ۵۷-۱۳۲) و همچنین در مرحله اجرای حکم و تصمیم‌گیری درباره طبقه‌بندی زندانیان (موضوع ماده ۱-۷۱۷ ق.آ.د.ک.) و اعطای آزادی مشروط (موضوع مواد ۷۲۹-۷۳۴ ق.آ.د.ک.)، توجه به تحقیقات انجام‌گرفته درباره شخصیت متهم امری ضروری است.

در حقوق کیفری ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً و به عنوان یک رویکرد محوری در مراحل رسیدگی کیفری پیش‌بینی نشده و فقط در مرحله اجرای مجازات حبس، آن هم به منظور طبقه‌بندی زندانیان، تشکیل آن الزامی اعلام شده است. اما به موجب بعضی مواد قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۲ و ۲۵) و قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۲۲۲) می‌توان گفت که قاضی کیفری برای صدور حکم یا تصمیم عادلانه نسبت به بزهدار، به طور ضمنی به تنظیم پرونده شخصیت به عنوان یکی از لوازم دادرسی عادلانه مکلف شده است. اگرچه خلاً

تشکیل پرونده شخصیت، چگونگی آن و اینکه این پرونده توسط چه کسانی تشکیل می‌شود با سؤال همراه است. با این وجود، تدوین‌کنندگان لایحه مجازات ۱۳۹۰، رویکرد مناسب‌تری نسبت به قانون فعلی اتخاذ نموده و در برخی مواد، تلویحاً تشکیل پرونده شخصیت را مد نظر قرار داده‌اند که به آن در مباحث پیش رو اشاره خواهیم کرد.

لازم به ذکر است که قانون‌گذار در تدوین لایحه آیین دادرسی کیفری در یک اقدام خردگرا، هرچند با تأخیری تأمل‌برانگیز، در ماده ۲۰۰ برای بزرگسالان و در ماده ۲۸۶ برای اطفال و نوجوانان، صرفاً در جرایم مهم و البته در مرحله تحقیقات مقدماتی، تشکیل پرونده شخصیت را پیش‌بینی کرده است.

سؤال اصلی که مقاله در مقام پاسخ به آن است، این است که پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه از چه جایگاهی برخوردار است، آیا چنین پرونده‌ای در فرایند کیفری ایران تشکیل می‌شود و این پرونده چه کاربردی در نظام قضایی دارد؟

در حقوق کیفری ایران تشکیل پرونده شخصیت صراحتاً در مراحل رسیدگی کیفری پیش‌بینی نشده است. با این وجود، نظر به تأثیر پرونده شخصیت در اصلاح مجرم و ارتباط آن با اصل فردی کردن مجازات‌ها، تبیین تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان و بزه‌کاران و لزوم پیش‌بینی آن در حقوق موضوعه ضروری می‌نماید. به لحاظ مشابهت‌های موجود بین حقوق دو کشور، توجه به آموزه‌ها و دستاوردهای حقوق کیفری فرانسه و استفاده از آنها در تدوین قوانین کیفری، می‌تواند در تنظیم و استفاده از پرونده شخصیت مفید واقع شود.

این مقاله در سه مبحث به سؤالهای مطرح‌شده پاسخ خواهد داد. در مبحث اول پرونده شخصیت در مراحل تحقیقات مقدماتی و محاکمه بررسی می‌شود. در مبحث دوم نقش و جایگاه پرونده شخصیت در فرایند اجرای حکم و در مبحث سوم نظر به نقش شخصیت طفل در ظهور و توسعه دادرسی اطفال و جایگاه ویژه آن در نظام کیفری ایران، پرونده شخصیت در قلمرو دادرسی اختصاصی اطفال بررسی خواهد شد.

مبحث اول: پرونده شخصیت در فرایند کیفری عام

فرایند کیفری شامل مرحله تحقیقات مقدماتی، یعنی مجموعه اقدامهایی که از سوی دست‌اندرکاران عدالت کیفری مانند ضابطان دادگستری، دادیاران و بازپرس برای کشف بزهکاری، پیگرد متهمان و تحقیق از آنان انجام می‌گیرد و نیز شامل مرحله تعیین مجازات، یعنی مجموعه اقدامهای دادرسان برای رسیدگی به رفتارهای مجرمانه و اتخاذ تصمیم در خصوص آنها می‌باشد. به طور کلی منظور از فرایند کیفری عام، رسیدگی به جرایم تمامی مرتکبان - اعم از اطفال و بزرگسالان، نوع جرم و صلاحیت مراجع رسیدگی - است.

گفتار اول: پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی

مرحله تحقیقات مقدماتی، شامل مجموعه اقدامات و تحقیقاتی است که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور تسجیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع در رسیدگی در دادگاه است (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۰/۲).

در حقوق کیفری ایران، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت، در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور صریح در مواد قانونی احصا نشده است، ولی در بعضی مواد از جمله مواد ۲۲ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی و مواد ۳۷، ۵۹ و ۶۳ لایحه مجازات ۱۳۹۰ به نحو ضمنی مطرح شده است.

پرونده شخصیت می‌تواند در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی مفید و مؤثر باشد. اطلاع از حقایق مربوط به متهم موجب می‌شود که از همان ابتدا، مستنطق یا قاضی، در طرح سؤالات و بازجویی، روشهای مناسب فردی را به کار گیرد و واکنش مناسب با شخصیت بزهکار اعمال نماید (نجفی توانا، ۱۳۸۸: ۶). نظر به اینکه مرحله تحقیقات مقدماتی، نقش مهمی در محتوای قرارها و در نهایت آرای کیفری ایفا می‌کند، لذا لحاظ جنبه‌های انسانی جرم با مطالعه پیشینه

خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی، جسمانی مرتکب جرم، انگیزه‌های ارتکاب جرم و برخی مؤلفه‌های دیگر، قاضی کیفری را در جهت تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با آن شخصیت هدایت می‌کند.

صرف نظر از اینکه تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی از یک سو باعث شناخت مقام قضایی، نسبت به شخصیت مجرم و انگیزه‌ها و علل ارتکاب جرم و اتخاذ قرارهای تأمینی مناسب می‌شود، از سوی دیگر زمینه انتخاب واکنش مناسب و مؤثر را در محکمه به منظور تحقق اهداف فردی کردن مجازات‌ها فراهم می‌سازد.

رویکرد قضات محاکم کیفری ایران به پرونده شخصیت و ضرورت توجه به داده‌های آن، دلالت بر بی‌اهمیتی و عدم توجه کافی به جایگاه مهم آن دارد. تحقیقات میدانی در مراحل مختلف فرآیند کیفری کشورمان طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۴ آمار نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که به ذکر نمونه‌ای از آن اکتفا می‌شود.

در میان ۳۰۰ نفر از قضات دادرها، محاکم کیفری و کارآموزان قضایی تنها ۹۵ نفر از آنها (۳۱/۶۶ درصد) اصطلاح پرونده شخصیت را می‌شناختند و از همان تعداد فقط ۵۰ نفر (۱۶/۶۶ درصد) به طور تخصصی نسبت به این پرونده و محتوای آن آگاهی داشتند. جالب‌تر اینکه در بین ۱۰۰ نفر از قضات دادرها فقط ۲۵ نفر از آنها، نوع شخصیت متهم را در تصمیم قضایی خود مؤثر می‌دانستند (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۷۵).

علت عمده این نوع نگرش در بین قضات دادرها، از یک سو موانع اجرایی و قانونی است. کمبود نیروی انسانی و تراکم پرونده‌ها، به مقام قضایی اجازه بررسی شخصیت متهم را نمی‌دهد. از سوی دیگر، وقتی خود قانون‌گذار نسبت به تشکیل پرونده شخصیت بی‌تفاوت است، چگونه می‌توان از قضات توقع داشت که برای آن اهمیت قائل شوند و هنگام اتخاذ تصمیم، شخصیت متهم یا مجرم را در نظر بگیرند (همان). البته تصمیمات و آرای نیز از محاکم کیفری صادر شده است که نشانگر توجه به شخصیت مجرم می‌باشد و در گفتار بعد به آن خواهیم پرداخت.

البته تدوین‌کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری، به پرونده شخصیت و آن هم

در مرحله تحقیقات مقدماتی توجه داشته‌اند. در ماده ۲۰۰ این لایحه چنین آمده است:

در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه یک تا چهار است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر خواهد بود: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی.

اگرچه تدوین کنندگان لایحه مذکور به تحقیق درباره شخصیت متهم توجه داشته‌اند و بازپرس را مکلف به صدور دستور تشکیل پرونده شخصیت نموده‌اند، با این وجود شیوه و راهکارهای اجرایی آن بیان نشده است. بدون تردید تشکیل چنین پرونده‌ای نیازمند تربیت و استفاده از کارشناسان ذی‌ربط و مددکاران متعهد می‌باشد که در این صورت فرایند کیفری، سیستم قضایی را به تأمین دادرسی منصفانه و ملموس نمودن بهتر عدالت رهنمون می‌سازد.

حقوق کیفری فرانسه از دیرباز به پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی توجه داشته است. از اواخر قرن نوزدهم که توجه همگان به سوی شخصیت مجرم معطوف شد، شناخت شخصیت وی با هدف تشخیص واکنش مناسب و همچنین بازپروری بزهکاران، استفاده از نهادهایی همچون تعلیق ساده، تعلیق مراقبتی و... در کنار تحقیقات مقدماتی در فرانسه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشت.

در حقوق فرانسه، بازپرس دستور تشکیل پرونده شخصیت را صادر می‌کند. به موجب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه آن، بازپرس مکلف است در جرایم جنایی، علاوه بر پرونده قضایی، به منظور تحقیق در وضعیت مالی و خانوادگی و اجتماعی متهم دستور معاینه پزشکی، روانی یا هرگونه آزمایشهای مفید دیگر را صادر کند. این امر از طریق توسل به «کمیته بازپروری و پروباسیون اداره

زندانشان^۱ یا نهاد حمایت قضایی از جوانان یا تمامی کانونهایی که صلاحیت اجرای بند فوق را دارند محقق می‌شود. با توجه به اینکه تحقیقات مربوط به کشف حقیقت و نیز تحقیق بر روی شخصیت، فراوان و متنوع است به همین جهت بازپرس می‌تواند به پلیس قضایی نیابت دهد تا تحقیق مورد نیاز را در موارد پیش‌بینی شده و مطابق با مواد قانونی انجام دهد.

پس از انجام تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده شخصیت، چنانچه دلایل و مدارک موجود در پرونده دلالت بر مجرمیت متهم نماید، بازپرس با صدور قرار مجرمیت پرونده قضایی را به همراه پرونده شخصیت، حسب مورد به دادگاه جنحه یا جنایی ارسال می‌کند. البته مقام قضایی در جرایم جنحه‌ای مختار به این امر است. در حقوق کیفری فرانسه نوآوری دیگری نیز وجود دارد بدین ترتیب که بر اساس ماده ۱-۸۱ ق.آ.د.ک. بازپرس می‌تواند رأساً یا بر اساس درخواست مدعی خصوصی بر طبق قانون، به هر عملی که به وی اجازه ارزیابی ماهیت و اهمیت خسارت بزه دیده یا کسب اطلاعات درباره شخصیت وی را می‌دهد، اقدام نماید. بدین سان، قانون‌گذار فرانسه، توجه به شخصیت متهم و مجرم را در کانون توجهات خود قرار داده است و پرونده بالینی متهم در این مرحله از محاکمه، موضوعیت یافته است و پس از احضار متهم به محاکمه، قضات دادگاهها در صورت مجرم شناختن متهم، با امعان نظر در گزارشهای موجود در پرونده شخصیت، تصمیم مقتضی را با اهداف اصلاحی و درمانی اتخاذ می‌کنند، به طوری که علاوه بر دفاع از جامعه، بازپروری محکوم نیز حاصل شود.

گفتار دوم: پرونده شخصیت در مرحله محاکمه

در این مرحله، به اتهام و کیفیت ارتکاب جرم، دلایل استنادی، مسئولیت مرتکب، تعیین نوع و میزان مجازات و یا اقدامات تأمینی و بالآخره تناسب آن با شخصیت بزه‌کار رسیدگی می‌شود. به همین دلیل، متولیان و تصمیم‌گیران سیاست جنایی در مقررات مختلف، تشکیل پرونده شخصیت را در این مرحله به صورت ضمنی مورد

1. Le service penitentiaire d insertion et de probation.

توجه قرار داده‌اند.

توجه به شخصیت بزهکار و شناخت واقعی مجرم، کیفیت ارتکاب جرم و مواردی از این قبیل، قاضی پرونده کیفری را در اتخاذ تصمیمی متناسب با هدف بازپروری بزهکار و به تبع آن استفاده از تدابیری در قالب تخفیف و تشدید مجازات و همچنین استفاده از نهاد تعلیق مجازات یاری خواهد نمود. در این مبحث تأثیر پرونده شخصیت در تخفیف و تعلیق مجازات بررسی می‌شود.

الف: تأثیر پرونده شخصیت در تخفیف مجازات

ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد....

طبق بند ۳ این ماده، اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم، در کاهش میزان تقصیر مجرم مؤثر است. قانون‌گذار به شناخت عواملی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده و در واقع به شناخت شخصیت متهم تأکید می‌نماید و از دادرس دادگاه می‌خواهد تا با توجه به این علل مجازات را به حدی تقلیل دهد که متناسب با شخصیت فرد متهم گردد (شامبیاتی، ۱۳۸۰: ۴۴۵/۲). هرچند که به طور تمثیل، به گفتار و رفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه و یا وجود انگیزه شرافتمندانه اشاره شده، ولی این امر مانع از این نمی‌شود که اگر دادرس دادگاه با سایر عوامل بزه‌زای داخلی یا خارجی مواجهه شد، آن عوامل را مؤثر در تعیین میزان مجازات نشناسد.

قانون‌گذار منظور از وضع خاص متهم و یا سابقه او را در بند ۵ همین ماده به طور مشخص بیان نکرده است، اما آنچه به ذهن متبادر می‌شود این است که منظور مقنن، موقعیت فرد در جامعه و شرایط خاص زندگی او و شخصیت وی است. در خصوص سابقه محکومیت متهم، نظر به اینکه فعلاً در سیستم دادرسی کیفری ایران

تشکیل پرونده شخصیت الزامی نیست و موضوعیت ندارد، می‌توان گفت که منظور از سابقه متهم همان سابقه محکومیت اوست، اعم از اینکه مؤثر باشد یا نباشد. ولی حسن شهرت متهم در میزان مجازات مؤثر خواهد بود، زیرا تعیین کیفر باید به نحوی باشد که در جهت اصلاح بزهکار باشد (همان: ۴۴۶/۲).

البته بر خلاف نظر ارائه شده باید متذکر شد که مفهوم سابقه متهم لزوماً سابقه محکومیت نیست، بلکه از اطلاق و عموم اصطلاح سابقه متهم، می‌توان سابقه و پیشینه شخصی متهم یا مجرم را نیز مورد لحاظ قرار داد.

بدین سان بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به طور ضمنی بر لزوم تشکیل پرونده شخصیت اشاره دارد. بند ۵ همین ماده هم که بر کسب اطلاعات فراحقوی راجع به مجرم و مطالعه پیشینه او تأکید دارد، جز از طریق تشکیل پرونده شخصیت میسر نیست تا قاضی کیفری بتواند با یافته‌های مددکاران، مجازاتی متناسب با شخصیت وی اتخاذ نماید.

در برخی آرای صادره از محاکم کیفری ایران، شخصیت مجرم در محکومیت و تخفیف مجازات تا حدودی لحاظ شده است. به عنوان مثال در رأی شماره ۹۰۰۱۰۳۷ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ صادره از شعبه ۲ دادگاه تجدید نظر استان همدان، از یک طرف وکیل بودن متهم را با این استدلال که سوء نیت وکیل مستتر در عملش می‌باشد و نیاز به اثبات ندارد، موجب محکومیت وی به اتهام خیانت در امانت دانسته و از طرف دیگر، در باب تعیین مجازات، کهورت سن و فقدان سابقه کیفری وی را دلیلی برای تبدیل حبس به جزای نقدی تلقی کرده است (موضوع بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی).

در رأی دیگری به شماره ۱۱۲۲/۱۸۰۹۹۷۲۱۸۰۰۱۱۲۲ مورخه ۱۳۸۹/۱۱/۳ صادره از شعبه ۱۱۸۰ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی قدس تهران، در خصوص اتهام توهین و سلب آسایش سی ضربه شلاق را با رعایت بندهای ۳ و ۵ ماده ۲۲ ق.م.ا، به لحاظ فقد سابقه کیفری و وضعیت خاص مشارالیه، به پانصد هزار ریال جزای نقدی تبدیل نموده است.

لایحه مجازات ۱۳۹۰، دادگاه را در صدور حکم تعزیری به ملاحظه انگیزه

مرتکب، وضعیت ذهنی و روانی وی در حین ارتکاب جرم و سوابق فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی، مکلف نموده است و در مقام اعمال تخفیف (موضوع ماده ۳۷ همان لایحه) نیز تلویحاً به تشکیل پرونده شخصیت در زمان صدور حکم تعزیری اشاره کرده است، ولی چگونگی آن را مشخص نکرده است. در حالی که انتظار می‌رفت قانون‌گذار از یافته‌های جرم‌شناسی و استفاده از شیوه‌های نوین بهره‌لازم را برده و ابزار و شاخصهای تشکیل پرونده شخصیت را مشخص نماید.

در حقوق فرانسه نیز، قاضی پرونده برای تعیین مجازات، به اهمیت بی‌نظمی اجتماعی ناشی از جرم، شدت تقصیر متهم و شخصیت او توجه می‌کند تا مجازاتی که تعیین می‌کند بتواند به ورود مجدد وی به جامعه با بهترین شرایط کمک کند. در همین راستا ماده ۲۴-۱۳۲ ق.م. فرانسه مقرر می‌دارد: «در حدودی که قانون تعیین کرده است دادگاه مجازاتها و رژیم اجرای آنها را با توجه به کیفیات جرم و شخصیت مرتکب تعیین می‌کند».

پس از سپری شدن مراحل و تشریفات اولیه و قرائت کیفرخواست و استماع دفاعیات متهم یا وکیل او و اخذ نظر هیئت منصفه در خصوص مجرمیت یا بی‌گناهی متهم، قضات دادگاه جنایی وارد شور شده و بر اساس محتویات پرونده کیفری و پرونده شخصیت مبادرت به صدور رأی می‌نمایند.

بدین سان، قضات دادگاههای جنایی فرانسه هنگام شور و صدور حکم محکومیت، ملزم به ملاحظه پرونده شخصیت بزهکار می‌باشند، ولی تکلیفی نسبت به استناد به آن ندارند، مگر جایی که تحقیقات جرم‌شناختی ارتباط مؤثر و مستقیم هر یک از خلأها و نابسامانیهای روانی، اجتماعی، اقتصادی و فیزیولوژیکی بزهکار را با وقوع بزه اثبات نماید، در این صورت دادگاه آن قسمت از تحقیقات و آزمایشهای شخصیت و کیفیت جرم را که مؤثر در بزهکاری بوده و وی را به سمت ارتکاب جرم رهنمون ساخته است مورد ملاحظه قرار داده و حسب مورد مجازات یا اقدامات تأمینی لازم را در مورد وی تعیین می‌نماید (ماده ۲۴-۱۳۲ ق.م.). در این راستا دادگاه ممکن است در مورد مجرمان غیر حرفه‌ای، کیفر را تخفیف یا تعلیق

نموده و یا در صورت حدوث عوامل رافع مسئولیت کیفری در متهم، او را به طور کلی از کیفر معاف نماید. در غیر این صورت، با توجه به پرونده شخصیت، مجازات یا اقدامات تأمینی را متناسب با وضعیت بزهکار و فعل مجرمانه با هدف بازگشت موفقیت آمیز، حرفه‌ای و اجتماعی و... مجرمان تعیین می‌کند (ابراهمن، ۱۳۷۱: ۱۹۸؛ نیز مواد ۱۸-۱۳۲ تا ۲۰-۱۳۲ ق.م.).

ب: پرونده شخصیت و تأثیر آن در تعلیق مجازات

تعلیق مجازات، ارتباط نزدیکی با تنظیم پرونده شخصیت دارد و بدون تردید تصمیم‌گیری در خصوص صدور اعطای تعلیق یا عدم صدور آن در حق بزهکار، نیازمند تشکیل پرونده شخصیت است. به عبارت دیگر، قاضی کیفری اساساً در مقام اعطای تعلیق مجازات، بدون وجود چنین پرونده‌ای و بدون مطالعه محتوای آن - به شرحی که گذشت - با مشکل مواجه خواهد شد. چرا که بر اساس بند (ب) ماده ۲۵ ق.م.ا. یکی از شرایط تعلیق مجازات، ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی است که موجب ارتکاب جرم گردیده است. برابر ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایطی از ۲ تا ۵ سال معلق کند.

در محاکمه بزهکار، نه فقط عوامل مجرمانه بلکه شخص مجرم نیز باید مورد توجه قرار داده شود. به عبارت دیگر، ضمانت اجرا باید علاوه بر شخصیت حقوقی بزهکار با شخصیت روان‌شناختی و واقعی بزهکار نیز منطبق باشد. بند «ب» در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

ماده ۳۹ لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ نیز مقرر نموده که در جرایم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی،

خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، تحت شرایطی به مدت ۶ ماه تا ۲ سال می‌تواند صدور حکم را به تعویق اندازد و در مواد بعدی نیز شرایط و چگونگی تعویق و بهره‌مندی از گزارشهای مددکار اجتماعی را مورد توجه قرار داده است و شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم را برای تعلیق اجرای مجازات معین نموده است (ماده ۴۵). در همه این مواد، تنظیم پرونده شخصیت و استناد به آن برای صدور مجازات به طور ضمنی ضروری می‌نماید.

سؤالی که در اینجا متبادر به ذهن می‌شود این است که قاضی کیفری چگونه از وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده مطلع خواهد شد؟ آیا تشکیل پرونده شخصیت، به طور ضمنی تکلیف نشده است؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار با عبارت ماده فوق‌الذکر در واقع به ضرورت تشکیل پرونده شخصیت اشاره داشته است و ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه تکلیفی است که قانون بر عهده دادگاه نهاده است. لیکن در واقع امر، مقدمات و ابزارهای لازم برای این شناخت در دسترس حاکم دادگاه نیست.

در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، درباره کسانی که به دلیل ارتکاب جرم عمدی حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتکاب جرم عمدی دیگر، به طور صریح توجه به شخصیت محکومان و سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان به منظور اجرای یک یا چند دستور از دستورات موضوع ماده ۲۹ این قانون، به دادگاه تکلیف شده است. به عبارت دیگر به طور ضمنی، تشکیل پرونده شخصیت برای صدور حکم نظارت لازم است. ولی قانون‌گذار بدون اینکه نحوه بررسی شخصیت محکوم و خصوصیات روحی اخلاقی وی و چگونگی آن را مشخص کند، اجرای دستورات مورد حکم را حسب مورد به سازمان بهزیستی یا سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا نیروی انتظامی محول کرده است. در حالی که انتظار می‌رفت قانون‌گذار ضمن توجه به یافته‌های جرم‌شناسی و استفاده از اصول علمی و شیوه‌های نوین، ابزار و شاخصهای تشکیل

پرونده شخصیت را مشخص می‌نمود. روشن است که بررسی شخصیت محکوم و خصوصیات روحی و اخلاقی وی و علل وقوع جرم، استفاده از کارشناسان ذی صلاح نظیر مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان را ضروری می‌نماید.

در حقوق کیفری فرانسه، در صورت اجتماع کلیه شرایط قانونی، اعطای تعلیق چه به صورت ساده و چه به صورت مراقبتی در اختیار دادگاه می‌باشد و قاضی دادگاه، مناسب بودن تعلیق را با توجه به شخصیت مجرم و محیط اجتماعی او ارزیابی می‌کند. قاضی فرانسوی در هنگام صدور حکم تعلیق با دو پرونده مواجه است، یکی پرونده کیفری و دیگری پرونده شخصیت. این پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی تشکیل شده است و قاضی دادگاه با مطالعه هر دو پرونده تصمیم به اعطای تعلیق می‌نماید. در صورت صدور حکم تعلیق ساده، رئیس دادگاه باید محکوم را از نتایج محکومیت برای یک جرم جدید در مدت ۵ سال باخبر کند (مواد ۲۹، ۳۵، ۳۷-۱۳۲ ق.م.ا.).

قاضی، به مصلحت بودن تعلیق مراقبتی را با توجه به نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن و شخصیت مجرم، مانند تعلیق ساده ارزیابی می‌کند. علاوه بر این، بررسی او باید شامل برخی نکات دیگر باشد. بنا به ماده ۴۳-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه، تعلیق مراقبتی برای محکوم شامل رعایت اقدامات نظارتی پیش‌بینی شده در ماده ۴۴-۱۳۲ و نیز برخی تعهدات مخصوص است که به وسیله رأی محکومیت یا تصمیم بعدی قاضی اجرای مجازات، به وی تحمیل می‌شود (استفانی، ۱۳۸۳: ۸۴۰/۲؛ نیز ماده ۷۳۹ ق.آ.د.ک.).

مراقبت مشتمل بر دو سلسله دستورات است؛ از یک طرف، دستورات عمومی که به طور خودکار اجرا می‌شود و از طرف دیگر، اقدامات مخصوص و متناسب با شخصیت مجرم است که ضمن اقدامات مختلف پیش‌بینی شده در ماده ۴۵-۱۳۲ ق.م.ا. از طرف قاضی تعیین خواهد شد. چنانچه دادگاه با توجه به شخصیت مجرم لازم بداند، می‌تواند برخی تعهدات را به متهم تحمیل کند. با این وجود، تعهدات، در اجرای اصل قانونی بودن، باید از میان تعهدات مندرج در ماده ۴۵-۱۳۲ ق.م.ا. انتخاب شود.

در حقوق کیفری فرانسه مقامی که بر اجرای تعلیق مراقبتی مجازات ریاست دارد، قاضی اجرای مجازاتهاست. قانون او را مأمور می‌کند که از اجرای اقدامات نظارتی و کمکی و نیز از اجرای تعهدات مخصوصی که به محکوم تحمیل شده است اطمینان حاصل کند. وی این مأموریت را به وسیله اشخاص صالح، در قالب کمیته پروباسیون^۱ انجام می‌دهد.

بدین سان، در نظام حقوق کیفری ایران به طور ضمنی و در حقوق کیفری فرانسه، به طور صریح، توجه به شخصیت مجرم در تعلیق اجرای مجازات مطرح شده است، ولی قانون‌گذار ایرانی صرفاً در بند «ب» ماده ۲۵، آن هم به صورت کلی به این موضوع اشاره داشته است. قانون‌گذار، گرچه در بند «ب» این ماده، به تشکیل پرونده شخصیت اشاره کرده است، ولی به ابزارهای لازم جهت تشکیل آن توجه کافی مبذول نداشته است. قانون‌گذار ایرانی مشخص نکرده است که قاضی کیفری برای صدور حکم تعلیق مجازات بر اساس وضع اجتماعی و سابقه زندگی محکوم علیه، برای پی بردن به این پیشینه از چه ابزاری استفاده نماید. این ایراد به لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ هم وارد است. به نظر می‌رسد با تشکیل پرونده شخصیت این نقیصه برطرف شود، مشروط بر آنکه امکانات لازم در اختیار قاضی و سازمان اجراکننده قرار گیرد. در حالی که در نظام کیفری فرانسه، ضمن اینکه به شخصیت مجرم بر اساس محتویات پرونده شخصیت تشکیل شده در مرحله تحقیقات مقدماتی و استفاده از آن در مرحله محاکمه توجه شده، در خصوص تعلیق نیز ضمن توجه به اطلاعات موجود در پرونده، کمیته‌ای را نیز برای کنترل محکوم علیه در مدت تعلیق مشخص نموده است.

مبحث دوم: پرونده شخصیت در فرایند اجرای حکم

یکی از مهم‌ترین مراحل دادرسی، مرحله اجرای حکم است. پرونده شخصیت در مرحله اجرای حکم و استفاده از نهادهایی همچون آزادی مشروط، عفو و همچنین

1. Probation.

طبقه‌بندی زندانیان، نمود بیشتری دارد. از آنجایی که اعطای آزادی مشروط در مدت حبس و در واقع، در زندان صورت می‌گیرد و اعطای آنها با توجه به شخصیت فرد بزه‌کار و سایر شرایطی که قانون‌گذار لحاظ کرده محقق می‌شود، شناخت شخصیت در مرحله اجرای حکم به مأموران اجرا اجازه می‌دهد، با توجه به نتایج حاصله از اجرای حکم، تأثیر آن را در مورد هر محکوم مورد بررسی قرار داده و دریابند که آیا نتایج مطلوب به دست آمده است یا اینکه باید در روش اجرای حکم، متناسب با شخصیت محکوم تغییراتی داده شود و بدین ترتیب با امعان نظر در نتایج حاصله، اقدامات بعدی را پایه‌ریزی نمایند (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۱/۱).

گفتار اول: نقش پرونده شخصیت در اجرای کیفر سالب آزادی

آخرین آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی در ۸۴/۹/۲۰ مورد تصویب قرار گرفت که از ویژگیهای بارز این آیین‌نامه تشکیل مؤسسات اشتغال و حرفه‌آموزی، تشکیل پرونده شخصیت برای زندانیان و واگذاری اختیارات جدید به شورای طبقه‌بندی زندانها می‌باشد.

در هر زندان، مرکزی به نام مرکز پذیرش و تشخیص وجود دارد. واحد پذیرش و تشخیص، محلی برای شناخت محکومان است که در این خصوص ماده ۴۷ آیین‌نامه زندانها سال ۱۳۸۴ مقرر می‌دارد:

واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش، بررسی و شناخت خصوصیات شخصیت محکومان و متهمان که زیر نظر مسئول مربوطه انجام وظیفه می‌نمایند.

ماده ۶۳ نیز مقرر می‌دارد:

در هر مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت محکومان و متهمان و طبقه‌بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده شخصیتی آنان به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است.

طبق ماده ۶۴ همین آیین‌نامه، محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش تحت آزمایشات مختلف جسمی و روحی قرار گرفته و تواناییها و اطلاعات مختلف آنها و

تحقیقات مربوط به سوابق فردی و اجتماعی آنان بررسی و ضمیمه پرونده می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مورد استفاده قرار گیرد.

در هر مؤسسه کیفری، کمیسیون نظارت بر تحولات رفتاری و شخصیتی محکومان به ریاست رئیس مؤسسه و با شرکت متخصصان روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، فرهنگی و تربیتی هر ماه یک بار تشکیل می‌شود و ملاحظات خود را درباره این تحولات در پرونده شخصیت آنان درج کرده، مراتب را به اطلاع قاضی ناظر زندان نیز می‌رساند تا مؤسسه محل نگهداری و برنامه‌های اصلاحی - درمانی مطابق با اخلاق و رفتار تحول یابد و نیازهای جدید محکومان مورد بازنگری قرار گرفته تغییر یابد (مواد ۴۶ و ۲۳۲ آیین‌نامه).

در نظام حقوقی ایران تنها در مرحله اجرای مجازات حبس و به منظور شناسایی زندانیان، جهت طبقه‌بندی آنان تشکیل پرونده شخصیت ضروری است. مددکاران اجتماعی طبق فرمهای تنظیمی که از سوی سازمان زندانها تهیه می‌شود، در مورد پیشینه زندگی فرد، تحقیقات لازم را به عمل آورده و گزارش کاملی از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیطهای خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای و غیره با اظهار نظر خود، همراه با نظریات متخصصان بالینی تهیه می‌نمایند و پس از انقضای مدت اقامت در قسمت پذیرش و تشخیص، کلیه گزارشهای متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مطرح شود (ماده ۶۵ آیین‌نامه). این شورا، به مثابه کمیسیون اجرا و اعمال نظارت در حقوق فرانسه، پس از ملاحظه پرونده شخصیت زندانی و مشورت با رئیس زندان و سایر واحدها از جمله یک نفر روان‌شناس، یک نفر مددکار و همچنین مسئولان واحدهای بازپروری و انتظامی در خصوص تعیین محل استقرار زندانی، اشتغال یا عدم اشتغال در مراکز حرفه‌آموزی و همچنین استفاده یا عدم استفاده از آزادی مشروط و یا عفو و بخشودگی تصمیم‌گیری می‌نماید (ماده ۶۹ آیین‌نامه).

اما سؤالی که مطرح است این است که آیا در زندانها و کانونهای اصلاح و تربیت کشورمان به ترتیبی که آیین‌نامه مشخص کرده پرونده شخصیت تشکیل می‌شود؟ آیا طبقه‌بندی مددجویان بر اساس آنچه در آیین‌نامه آمده است صورت

می‌پذیرد؟ در نگاه کلی می‌توان گفت در زندانهای ایران، اقدامات مختصری که در این خصوص انجام می‌گیرد، جنبه صوری داشته و اقدامات انجام گرفته به پر کردن یک سلسله پرسش‌نامه محدود می‌شود. البته موارد مذکور در آیین‌نامه در زندانهای پایتخت و مراکز استانها و کانونهای اصلاح و تربیت به ویژه کانون اصلاح و تربیت تهران با جدیت بیشتری دنبال می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۰). دلایلی همچون زیاد بودن جمعیت زندانیان، نبودن کادر اجرایی لازم، عدم محیط مناسب زندانها و عدم نیروی انسانی متخصص، اجرای بهینه این طرح را با مشکل مواجه کرده است. به نظر می‌رسد با استخدام نیروهای کارآمد متخصص در زندانها و تخصیص اعتبارات مالی مکفی، بتوان آرزوی تشکیل پرونده شخصیت به شکل اصولی و مطابق با آموزه‌های جرم‌شناسی را محقق ساخت.

لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ به نوبه خود، در مواد ۶۳ تا ۸۶، ضمن تبیین مجازاتهای جایگزین حبس، در ماده ۷۶ مقرر داشته است که قاضی مجری احکام مجازاتهای جایگزین حبس، ضمن بهره‌مندی از گزارشهای مددکاران اجتماعی، می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند.

در حقوق فرانسه، در اجرای مجازاتهای سلب یا محدودکننده آزادی، یک ارگان اداری یعنی «سازمان زندانها» و یک عامل قضایی یعنی «قاضی اجرای مجازاتها» مداخله می‌کنند (بولک، ۱۳۸۵: ۱۳۲). در هر زندان، مدیر یا کارکنان مسئول دفتر، ثبت تشریفات پذیرش محکوم را در دفتر ثبت زندان بر عهده دارند. این دفتر حاوی مشخصات شخص محکوم اعم از هویت، انگشتنگاری و علایم و خصوصیات او و کلیه تغییرات در وضعیت کیفری یا اداری محکوم در طول حبس می‌باشد (ماده ۱۵۰ آیین‌نامه ق.آ.د.ک.). در دفتر مؤسسه‌ای که محکوم در آنجا حبس می‌شود، پرونده شخصیت وی تشکیل می‌شود و در صورت انتقال او به مؤسسات زندان به همراه وی ارسال خواهد شد (ماده ۱۵۵ آیین‌نامه ق.آ.د.ک.).

یک جزء از پرونده شخصیت، اطلاعات «پزشکی» است که حاوی مدارک مربوط به وضعیت سلامت تن و روان محکوم است و تنها کارکنان بخش پزشکی

زندان می‌توانند به آن مراجعه کنند و جزء دیگر، قسمت «اجتماعی» است که مدارک مورد استفاده مددکاران اجتماعی در آن ضبط می‌شود (ماده ۱۶۲ آیین‌نامه ق.آ.د.ک.) و بالاخره یک «جدول مشاهدات» وجود دارد که در آن مدارک مربوط به تحقیقات، معاینه‌ها، گزارشات کارشناسی راجع به شخصیت، وضعیت پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌شناختی، وضعیت مادی، خانوادگی یا اجتماعی محکوم، چه در مرحله تحقیقات اولیه، چه در مراکز ملی هدایت و ارشاد که در جهت طبقه‌بندی زندانیان اقدام می‌کنند و چه در مرحله اعمال مجازات (ماده ۱۶۳ آیین‌نامه ق.آ.د.ک.)، منعکس و ضبط می‌شود. اگر مجرم، محکوم به حبس کوتاه‌مدت باشد، پرونده شخصیت نیز برای او به تدریج از زمان ورود یا تحریر مدارک مربوط به وی تشکیل می‌شود (مواد ۱۶۵-۱۶۶ آیین‌نامه ق.آ.د.ک.؛ بولک، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

طبقه‌بندی محکومان در زندانها و مؤسسات کیفری با توجه به گروه کیفری، سن، وضعیت سلامتی جسمی، روحی و روانی و شخصیت آنها صورت می‌گیرد و بر همین اساس اقدامات بازپروری نسبت به آنها صورت می‌گیرد (ماده ۱-۷۱۷ ق.آ.د.ک.). پس از تعیین نوع و محل زندانی که محکوم باید جهت تحمل کیفر حبس به آنجا هدایت شود، قاضی اجرای مجازاتها پس از اخذ نظر کمیسیون اجرا و اعمال مجازات، می‌تواند بر اساس وضعیت و پرونده شخصیت محکوم و با هدف بازسازی اجتماعی، مدت مجازات وی را کاهش دهد و اجرای آن را موقتاً معلق نماید یا اجرای آن را در زمان تقسیم نماید (ماده ۲۳-۱۳۲ ق.م.؛ بولک، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

بدین‌سان، پرونده شخصیت در اجرای کیفر سلب‌کننده آزادی، در نظام کیفری ایران و فرانسه عینیت دارد. مددکاران اجتماعی، پزشکان و متخصصان بالینی بر اساس نتایج تحقیقات و آزمونهای مختلف و برآورد علمی نتایج یافته‌ها، به آسیبهای شخصیتی بزهکار پی می‌برند و برای تنظیم برنامه بازپروری و اصلاح، مناسب‌ترین نحوه برخورد با وی را در پرونده شخصیت منعکس می‌کنند و بر اساس مندرجات این پرونده، شورای طبقه‌بندی زندانیان در ایران و کمیسیون اجرا و اعمال مجازات و قاضی اجرای مجازاتها در حقوق کیفری فرانسه، درباره چگونگی سرنوشت کیفری محکومان در زندان و مؤسسات، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند و بر همین اساس،

هدف این است که اصل فردی کردن اجرای کیفر سلب‌کننده آزادی اعمال گردد. اجرای کیفر سلب‌کننده آزادی در صورت احراز حسن رفتار و زمینه‌های بازگشت فرد به جامعه متوقف می‌شود و یکی از حوزه‌هایی که شخصیت محکوم در استمرار یا عدم استمرار اجرای مجازات حبس مورد توجه قرار می‌گیرد، نهاد آزادی مشروط است که در گفتار دوم این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار دوم: پرونده شخصیت و تأثیر آن در اعطای آزادی مشروط

آزادی مشروط یکی از نهادهای مهم حقوق کیفری است و فوایدی همچون تسهیل اداره زندانها، تقلیل جمعیت زندانها، ملاحظات عملی جهت جلوگیری از آثار سوء مجازات حبس، تعدیل و منعطف ساختن مجازاتهای سلب‌کننده آزادی، امکان اصلاح محکوم با احتیاطها، تضمینها و نوعی نظارت بر وی از روز آزادی و جلوگیری از تکرار جرم را داراست. ولی قانون‌گذار ایرانی و فرانسوی تعریفی از این تأسیس مهم ارائه نداده است. قانون‌گذار ایرانی در مواد ۳۸، ۳۹ و ۴۰ قانون مجازات اسلامی و در مواد ۵۷ تا ۶۲ لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ و مقنن فرانسوی در مواد ۷۲۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور به شرایط اعطای آزادی مشروط پرداخته است.

بند ۱ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص شرایط اعطای آزادی مشروط مقرر می‌دارد: «هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد». اگرچه نشان دادن حسن اخلاق، به معنای اصلاح تلقی می‌شود، مع‌ذلک قانون‌گذار نه تنها معیار سنجش حسن اخلاق را مشخص نکرده است، افراد یا مقامات صالح برای این سنجش نیز مشخص نشده‌اند. نظر به اهمیت موضوع به نظر می‌رسد تشخیص این امر مستلزم استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان ذیصلاح است که با مطالعه و پژوهش درباره محکوم به حبس، دقت در رفتار و کردار وی و سایر موارد مرتبط، برداشتهای صحیح خود را به قاضی ناظر زندان ارائه نمایند.

از شرایط دیگر اعطای آزادی مشروط، مطابق بند ۲ ماده ۳۸ قانون مجازات

اسلامی، احراز عدم تکرار جرم توسط محکوم علیه است. به نظر می‌رسد مراد از احراز عدم تکرار جرم، همان حالت خطرناک است و اینجاست که پرونده شخصیت برای احراز یا عدم احراز چنین حالتی، نقش کلیدی دارد. به عبارت دیگر، این پرونده و مندرجات آن، سیمای شخصیتی محکوم را نزد مقام تصمیم‌گیرنده ارائه می‌دهد و بر اساس آن تصمیمی نزدیک به عدالت، مبتنی بر احسان و دستگیری و به منظور بازپروری و اصلاح وی اتخاذ می‌گردد.

این نهاد با قانون ۱۴ اوت ۱۸۸۵ وارد حقوق کیفری فرانسه شده است. مبنای آن، امکان اصلاح محکوم، سریع‌تر از تصور قاضی است که ادامه حبس او را بیهوده می‌نماید (استفانی، ۱۳۸۳: ۸۵۹).

تشریفات آزادی مشروط در مواد ۷۲۹ تا ۷۳۳ ق.آ.د.ک. پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۵۲۲ آیین‌نامه ق.آ.د.ک. فرانسه، پرونده شخصیت محکوم علیه پیش از اعطای آزادی مشروط توسط قاضی اجرای مجازاتها مورد بررسی قرار می‌گیرد، احراز حسن اخلاق بستگی به تلاشهای جدی، مطابقت مجدد محکوم علیه با اجتماع و بازپروری دارد.

در حقوق کیفری فرانسه، قاضی اجرای مجازاتها برای هر محکوم یک پرونده شخصیت تشکیل می‌دهد که حاوی اسنادی است که وضعیت اجتماعی و شخصی محکوم را مشخص می‌نماید. احراز شرط عدم تکرار جرم با بررسی این پرونده و انجام تکالیف و وظایفی که نشانگر بازاجتماعی شدن محکوم علیه باشد میسر خواهد شد. به هر حال برای دیوان عالی کشور و دادگاه ملی آزادی مشروط، خطر تکرار جرم، عنصر حائز اهمیت به حساب می‌آید تا آنجا که در آرای مختلف خود اعلام کرده‌اند که اعطای آزادی مشروط در صورتی که در رفتار محکوم علیه آثاری دال بر تکرار جرم در آینده وجود داشته باشد، امکان‌پذیر نخواهد بود (تدین، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

بنابراین تصمیم‌گیری در خصوص اعطای آزادی مشروط منوط به شناخت کامل محکوم علیه و میزان تلاش وی در بازپروری اجتماعی خویش است که از میان اوراق پرونده شخصیت، می‌توان به این شناخت رسید.

همچنان که قبلاً اشاره شد می‌توان مدعی شد که خاستگاه اولیه توجه به داده‌های

پرونده شخصیت در قلمرو حقوق کیفری، توجه به حقوق کیفری اطفال بوده و دادرسی کیفری اختصاصی اطفال نیز مدیون توجه به شخصیت طفل بوده است. در نظام کیفری ایران نیز اولین حوزه‌ای که توجه به خصوصیات روحی و روانی و خانوادگی متهم را مورد توجه قرار داده، قلمرو حقوق کیفری اطفال بوده است.

مبحث سوم: پرونده شخصیت در نظام دادرسی اطفال بزهکار

یکی از چالش‌های مهم نظام‌های کیفری اغلب کشورهای جهان، مسئله بزهکاری اطفال است؛ زیرا جرایم اطفال و نوجوانان روند افزایشی دارد و اقدامات انجام یافته، به رغم چشم‌گیر بودنشان هنوز نتوانسته است این مسئله را به اندازه کافی و رضایت‌بخشی تقلیل دهد، لکن این تلاشها، اقدامات و یافته‌های جرم‌شناسی همچنان امیدوار به کاهش بزهکاری اطفال است.

تشکیل پرونده شخصیت اطفال بزهکار برای نخستین بار در سال ۱۹۰۷ در آرژانتین و در سال ۱۹۱۹ در بلژیک اجرا شد و چون نتایج رضایت‌بخش بود مورد اقتباس سایر کشورها قرار گرفت و مراکز ویژه مطالعه اطفال بزهکار در بیشتر کشورها تأسیس شد (دانش، ۱۳۸۶: ۹۴).

در نظام دادرسی ایران، برای اولین بار موضوع «تشکیل پرونده شخصیت» در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، مصوب سال ۱۳۳۸ که در زمان خود از جمله قوانین مترقی محسوب می‌شد، به عنوان امری اختیاری مطابق صلاحدید قاضی دادگاه اطفال مقرر شد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۹: ۲۳۵). ماده ۷ قانون مزبور، تحقیقات درباره وضع مزاجی یا روحی طفل یا ابویین یا وضع خانوادگی و محیط اجتماعی وی را پیش‌بینی کرده بود که دادگاه می‌توانست این تحقیقات را خود یا به هر وسیله که مقتضی بداند انجام دهد، همچنین می‌توانست از متخصصان مربوط یا مددکاران اجتماعی، برای انجام تحقیقات مزبور استفاده نماید. با این وجود مفاد ماده مذکور، سیر تکامل خود را طی نکرد و الزامی شدن تشکیل پرونده شخصیت در ماده ۲۲۲ ق.آ.د.ک. مصوب سال ۷۸، همچنان مغفول واقع شده است.

ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به نوبه خود مقرر می‌دارد:

چنانچه دربارهٔ وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید.

این ماده به طور ضمنی در مقام بیان تشکیل پروندهٔ شخصیت در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی و صدور حکم برآمده است، ولی ابزارهای لازم و چگونگی آن را بیان نداشته است.

این ماده، صرف نظر از اینکه فقط اطفال بزهکار را مورد خطاب قرار داده و در خصوص بزهکاران بزرگسال چنین توجهی نداشته و با توسل به عبارت «به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند»، ابهام در چگونگی تحقیقات از شخصیت فرد را به وجود آورده است، علاوه بر آن، به بررسی وضع جسمانی طفل نیز اشاره‌ای ننموده است و از طرفی افراد خبره را نیز مشخص نکرده است که به نظر می‌رسد این افراد شامل پزشک، روان‌شناس، روان‌پزشک و مددکار اجتماعی باشد. اگرچه قانون‌گذار به نوعی به تشکیل پروندهٔ شخصیت نظر داشته است، ولی متأسفانه با وجود اینکه به حساسیت موضوع آگاه بوده است، سازوکارهای لازم و ابزار معین را بیان نداشته و با عبارتی مجمل، در صدد بیان تشکیل پروندهٔ شخصیت و یا توجه به شخصیت مجرم برآمده است. این در حالی است که تدوین‌کنندگان لایحهٔ آ.د.ک. در مادهٔ ۲۸۶ برای اطفال و نوجوانان، تشکیل پروندهٔ شخصیت را مد نظر قرار داده است. لایحهٔ مجازات اسلامی ۱۳۹۰ نیز در مادهٔ ۸۷ استفاده از نظرات روان‌شناسان و گزارشهای مددکاران اجتماعی در خصوص طفل را به قاضی دادگاه اطفال در صدور رأی توصیه می‌کند.

ابتکار شرکت مشاوران و جلب نظرات کارشناسان در رشته‌های مختلف در روند تصمیم‌گیری، در حقیقت از فلسفهٔ وجودی دادگاه اطفال نشئت می‌گیرد. وقتی قرار است هدف از تأسیس و تشکیل دادگاههای اطفال تعیین علت جرم و صدور تصمیماتی در جهت اصلاح، درمان و تربیت آنان باشد، بهتر است که در تشکیل دادگاهها از کارشناسان امور تربیتی، اجتماعی و روانی نیز استفاده شود (شاملو، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

نظرات و دیدگاههای این کارشناسان می‌تواند در قالب پروندهٔ شخصیت متجلی

شود. تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به ویژه کودکان بزهکار، دست‌اندرکاران عدالت کیفری را با وضعیت فردی از قبیل شرایط روانی و محیطی آشنا کرده و آنان را به سوی گزینش روشهای مناسب بالینی هدایت می‌کند.

به همین دلیل است که در کنگره‌ها، مقررات و قواعد بین‌المللی از جمله مواد ۱۹ تا ۳۰ قواعد، حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، سازمان ملل متحد (۱۹۹۰) و ماده ۱۶/۱ مقررات پکن (۱۹۸۵)، تحقیق راجع به حقایق مربوط به کودکان و نوجوانان، از قبیل پیشینه اجتماعی و خانوادگی، دوران مدرسه، شرایط ارتکاب جرم و غیره، پیش از اتخاذ تصمیم نهایی، امری ضروری است.

در مقررات داخلی علاوه بر آنچه اشاره شد در مواد ۸ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت (۱۳۴۷)، به طور ضمنی بر تشکیل این پرونده، تأکید شده است. در کشور ما، وقتی بزهکار به کانون فرستاده می‌شود، فرمهای تحقیق و پژوهش اجتماعی، ورقه آزمایشات پزشکی، آزمایشات روانی و پرسش‌نامه شخصیتی تنظیم می‌شود و طفل موظف به پاسخ دادن به سؤالات است. در واقع مددجو (طفل بزهکار) با پر کردن موارد مذکور، مورد آزمایش و پژوهشهای پزشکی، روانی و تحقیقات اجتماعی قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، طبقه‌بندی زندانیان انجام می‌گیرد و راهکارهای مناسب در راستای بازپروری و اصلاح آنها نیز اتخاذ می‌گردد. این پرونده در دو نسخه تنظیم می‌شود؛ نسخه اول به دادگاه اطفال فرستاده می‌شود و نسخه دوم در کانون باقی می‌ماند.

در ظاهر امر، چنین پرونده‌ای در کانونهای اصلاح کشورمان تشکیل می‌شود و حتی پرسش‌نامه‌های مذکور نیز به طور کامل پر می‌شود. اما این اطلاعات صرفاً جهت طبقه‌بندی بزهکاران و آن هم از لحاظ سن و جنس آنها انجام می‌گیرد. اینکه این پرونده و محتوای آن مورد مطالعات بعدی قرار می‌گیرد و بر اساس آن تصمیماتی گرفته می‌شود یا نه، با سؤال همراه است.

در برخی آرای صادره از محاکم کیفری ویژه اطفال و نوجوانان، گزارشهای مددکار اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آن تصمیم اتخاذ شده است.

برای نمونه در رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۲۱۷۲۸۰۰۱۳ در خصوص رسیدگی به اتهام

پسر ۱۷ ساله برای حمل شوکر بدون مجوز، دادگاه به استناد ماده ۱۲ قانون قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۹۰/۶/۷ و با رعایت ماده ۲۲ ق.م.ا. به دلیل نوجوانی به ده میلیون ریال جزای نقدی حکم نموده است.

در نظام کیفری فرانسه در فوریه ۱۹۴۵، قانون مربوط به کودکان به تصویب رسیده است که مهم ترین قانون در خصوص کودکان فرانسه محسوب می شود. البته مقررات این قانون در پرتو مفاد کنوانسیون حقوق کودک مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است و اصلاح آن همچنان ادامه دارد، به طوری که در دو نوبت از مراحل بازبینی و اصلاحات قانونی اخیر که در رأس آن قانون ۵ مارس ۲۰۰۷، راجع به پیشگیری از بزه کاری قرار دارد، مجدداً با تغییراتی روبرو شد (سیماموتی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

ماده ۸-۱۲۲ قانون جزای فرانسه، اصل عدم مسئولیت کیفری مطلق کودکان کمتر از ۱۳ سال را مطرح می کند. نوجوانان از ۱۳ تا ۱۸ سال نیز غیر مسئول فرض می شوند، ولی با این حال، «هنگامی که اوضاع و احوال و شخصیت بزهکار» این موضوع را ایجاب کند، ممکن است موضوع محکومیت کیفری قرار گیرد. کودکان کمتر از ۱۳ سال تنها ممکن است موضوع «تدابیر حمایتی، معاضدت، نظارت و تربیت» قرار گیرند.

دادگاههای کودکان و نوجوانان در این کشور به تناسب جرایم و سن کودکان (دادگاه کودکان، دیوان کیفری کودکان، قاضی کودکان) پیشبینی شده و از صلاحیت اختصاصی رسیدگی به جرایم کودکان برخوردار می باشد. در مورد مؤسسات اجرای حکم در این کشور باید گفت که «مرکز حمایت قضایی از جوانان» که وابسته به وزارت دادگستری می باشد، به تناسب واکنش انتخاب شده برای کودکان بزهکار، در جهت بازپروری کودکان و نوجوانان بزهکار اقدام می کند (مرکز پژوهشهای ریاست جمهوری، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

صدور حکم عادلانه و اصلاح کننده در دادرسی کیفری، به ویژه در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان اقتضا می کند که قبل از اتخاذ تصمیم نهایی و صدور حکم، شخصیت طفل بزهکار، پیشینه زندگی وی و شرایط ارتکاب جرم مورد بررسی قرار گیرد. در حقوق فرانسه، انجام تحقیقات چه در مورد جنایات و چه در

مورد جنحه‌ها و خلاف‌های درجه پنجم ارتکاب یافته توسط کودکان و نوجوانان ضروری است (همان: ۱۸۴). علاوه بر این، قاضی دادگاه، دستور انجام تمام تحقیقات را برای آشکار ساختن حقیقت و شناسایی طفل و همچنین شیوه‌های مناسب برای بازپروری را صادر می‌کند (ماده ۸ تصویب‌نامه ۲ فوریه ۱۹۴۵).

در راستای اجرای دستور فوق‌الذکر، یکی از شیوه‌هایی که قاضی اطفال و نوجوانان می‌تواند از آن استفاده کند «ابرواسیون یا تحت مشاهده و بررسی» قرار دادن طفل متهم می‌باشد.

مرکز ابرواسیون مرکزی علمی است که دارای تجهیزات کامل پزشکی، روان‌پزشکی و راهنمای تحصیلی حرفه‌ای و فنی است. مددکاران اجتماعی مرکز مذکور، تحقیق و پژوهش اجتماعی را زیر نظر معاون سازمان حمایت قضایی جوانان انجام می‌دهند.

همچنین قاضی دادگاه اطفال می‌تواند اقدام به یک تحقیق اجتماعی، معاینه پزشکی و روان‌شناختی نماید (ماده ۱۰ تصویب‌نامه ۱۹۹۳). به این ترتیب که راجع به وضع مادی و معنوی خانواده، اعمال و پیشینه طفل، وضع محیط تحصیلی، رفتار او در مدرسه، شرایط زندگی و طرز رشد طفل دستور تحقیق و پژوهش اجتماعی را صادر کند و در صورت لزوم دستور آزمایش پزشکی و روان‌پزشکی را نیز بدهد. هرگاه وضعیت طفل ایجاب نماید که او دور از محیط خانوادگی نگهداری شود و یا پرونده شناسایی شخصیت به طور کامل تنظیم گردد، قاضی دستور اعزام به یک مرکز ابرواسیون را صادر می‌کند.

حداکثر مدت ابرواسیون ۳ ماه است. معمولاً در مدت ۸ الی ۱۰ روز، پرونده شناسایی شخصیت طفل تکمیل می‌شود و تمامی افرادی که در مراقبت و تحقیق و پژوهش اجتماعی و آزمایشها شرکت داشته‌اند تشکیل جلسه داده و پس از بررسی پرونده و تبادل نظر، با ذکر نوع روشی که باید در مورد طفل یا جوان اجرا شود پرونده را به مقام دستوردهنده ابرواسیون ارسال می‌دارند (دانش، ۱۳۸۶: ۹۹) و قاضی دادگاه پس از مطالعه مستندات موجود و نتایج تحقیقات انجام یافته، تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌نماید.

نتیجه گیری

روشن است که برای اینکه کیفر بتواند اثر مطلوب روی بزهکار داشته باشد، شناخت عوامل بزه‌زا ضروری است. به بیان بهتر، برای اتخاذ کیفر معقول و منصفانه و همچنین به جهت اعمال تدابیر اصلاحی و درمانی متناسب با وضعیت بزهکار، مطالعه شخصیت مجرمان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این شخصیت به تناسب تفاوت روان، جسم و محیط پیرامون هر فرد متفاوت است.

در نظام حقوق کیفری ایران، در مواردی مانند ماده ۲۲ ق.م.ا. (تشکیل مجازات مناسب‌تر به حال متهم) به استناد بند ۳ «اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است...» و بند ۵ «وضع خاص متهم بی سابقه او» یا بررسی وضعیت اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم از سوی وی گردیده است و در خصوص تعلیق اجرای مجازات موضوع بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا.، اثبات مستمر حسن اخلاق، اطمینان از عدم تکرار جرم برای احراز شرایط اعطای آزادی مشروط موضوع ماده ۳۸ ق.م.ا.، ماده ۷۲۸ همین قانون برای آگاهی از خصوصیات مجرم، ماده ۲۲۲ ق.آ.د.ک.، در خصوص اطلاعات فرا حقوقی در مورد وضعیت طفل یا سرپرست و یا وضعیت خانوادگی و محیط معاشرت او، تشخیص حالت خطرناک مجرمان به منظور اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص آنان موضوع ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹، به نوعی تلویحاً به ضرورت تشکیل پرونده شخصیت، به منظور برخورد مناسب و اتخاذ تدابیر اصلاحی لازم اشاره شده است.

در نظام کیفری ایران، تنها در مرحله اجرای مجازات حبس مطابق ماده ۶۳ و ۷۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها به منظور شناسایی زندانیان جهت طبقه‌بندی آنان تشکیل پرونده شخصیت ضروری شناخته شده است که این امر به دلایلی که پیشتر ذکر شد، در عمل چندان با دقت همراه نبوده و مذاقه بیشتری از جانب متولیان امر صورت نمی‌گیرد. البته اوضاع در کانونهای اصلاح و تربیت در مقایسه با زندانهای بزرگسالان تا حدودی بهتر است.

اگرچه قانون‌گذار در تدوین لایحه مجازات اسلامی ۱۳۹۰ رویکرد بهتری نسبت به موضوع مورد بحث اتخاذ کرده و در موادی که شرح آن گذشت، توجه به شخصیت بزهکار و وضعیت روانی وی و همچنین استفاده از مددکاران اجتماعی و بهره‌مندی از گزارشهای آنان و به طور کلی پرونده شخصیت را مد نظر قرار داده است، علی‌رغم اینکه قانون‌گذار واقف بر این امر بوده که توجه به شخصیت بزهکار و تشکیل پرونده شخصیت، امری اجتناب‌ناپذیر است، سازوکار لازم و شاخصهای مورد نیاز این امر را بیان نکرده است.

در نظام کیفری فرانسه پرونده شخصیت و به طور کلی توجه به شخصیت بزهکار، در مقایسه با حقوق کیفری ایران از جایگاه رفیعی برخوردار است. در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. این کشور، تحقیق درباره شخصیت متهم و وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی وی پیش‌بینی شده است که این تحقیقات در مرحله تحقیقات مقدماتی، در امور جنحه‌ای اختیاری و در امور جنایی الزامی است. در حقوق فرانسه، همانند بسیاری از کشورها که تحقیقات مقدماتی را قاضی تحقیق یا بازپرس انجام می‌دهد دستور تشکیل پرونده شخصیت بر عهده او نهاده شده است تا سرانجام بعد از انجام محاکمه، در صورت مجرم شناختن متهم و با استمداد از گزارشهای موجود در پرونده شخصیت، نسبت به تعیین واکنش مناسب، مؤثر و مفید اقدام کند.

علاوه بر این، مطابق برخی مواد قانون مجازات فرانسه و آیین‌نامه ق.آ.د.ک. این کشور، در راستای احراز شرایط استفاده از نهادهای تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات و همچنین اعطای آزادی مشروط و عفو خصوصی، تشکیل پرونده شخصیت ضروری است. در عبارتی کوتاه می‌توان گفت که پرونده شخصیت در نظام کیفری فرانسه در مرحله تحقیقات مقدماتی موضوعیت داشته و در مرحله دادرسی جنبه طریقت دارد.

با وجود همه مزایا و محاسنی که تشکیل پرونده شخصیت دارد، انتقاداتی نیز بر آن وارد است؛ از جمله اینکه، تشکیل این پرونده موجب تطویل دادرسی شده و علاوه بر آن با نفوذ به خلوت افراد و تجسس در زندگی شخصی، ادامه مسیر محاکمه، تحت تأثیر قرار گرفته و زمینه پیش‌داوری را برای قاضی کیفری محقق می‌سازد.

در پاسخ باید گفت که کسب اطلاعات یادشده ممکن است به برائت متهم بینجامد و در فرض تقصیر متهم، قاضی می‌تواند با مطالعه اطلاعات و داده‌های به دست آمده از آزمایشها و پژوهشهای مورد نظر، حکم مناسبی را برای بزهکار صادر نماید و با به کارگیری تدابیر اصلاحی و درمانی، زمینه بازپروری و بازگشت بزهکار را به جامعه محقق سازد.

برخی در انتقاد از پرونده شخصیت، هزینه بر بودن آن را در رأس انتقادات خود قرار داده‌اند. اما باید خاطر نشان کرد که هدف از تشکیل این پرونده، ضمن شناخت عوامل مؤثر در تکوین پدیده مجرمانه و شخصیت مجرم، اعمال مجازات مناسب با شخصیت فرد و اصلاح و بازپروری بزهکاران می‌باشد. پس هدف از تشکیل این پرونده، هدف مقدسی است. بازپروری و اصلاح بزهکار به عنوان فردی از افراد جامعه حتی به رغم هزینه‌های سنگین، ارزشمند است.

با عنایت به مطالب یادشده پیشنهادها و راهکارهای زیر، ارائه می‌گردد:

۱. شناسایی شخصیت بزهکاران در جرایم مهم الزامی گردد و دامنه شمول آن علاوه بر مرحله تحقیقات مقدماتی، در تمام مراحل دادرسی کیفری، گسترده شده و علاوه بر شناسایی شخصیت اطفال بزهکار این امر در بزرگسالان نیز محقق شود.

۲. سازمان و ساختاری مستقل، با نظارت نهاد قضایی متشکل از متخصصان و کارشناسان رشته‌های پزشکی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی و مددکاری اجتماعی در جهت تبیین اهداف مورد اشاره، تشکیل گردد تا بتواند نقش مهمی در اجرای عدالت کیفری از جمله اصلاح بزهکاران، بازپروری آنان و نشر و اشاعه اندیشه‌ها و افکار اصلاحی ایفا نماید.

۳. مددکاران اجتماعی نقش مهم و حساسی در فرآیند تشکیل پرونده شخصیت دارند و اطلاعات صحیح و کارشناسی آنان، از اهمیت بسزایی برخوردار است و از آنجایی که گاهی مشاهده شده است که در برخی موارد، یا از مددکاران اجتماعی در مراکز مربوط استفاده نمی‌شود یا مددکاران با بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری از مسائل گذشت می‌کنند، پیشنهاد می‌شود، ضمن استفاده از متخصصان امر، کمیته‌ای در راستای آموزش و تعلیم این افراد و ارائه یافته‌های جدید تشکیل گردد.

کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
۲. ابراهیمی، ابراهیم، پرونده شناسایی شخصیت در فرآیند کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولک، حقوق جزای عمومی فرانسه، ترجمه حسن دادبان، چاپ سوم، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۸۳ ش.
۴. ایراهمن، دیوید، روان‌شناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۱ ش.
۵. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران، مجد، ۱۳۸۵ ش.
۶. تدین، عباس، مطالعه تطبیقی آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
۷. دانش، تاج‌زادگان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
۸. سیمامونتی، سیلوی، «جهت‌گیری اخیر حقوق کیفری صغار در فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال اول، شماره ۴.
۹. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، تهران، ژوبین، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال (شخصیت طفل، بزهکاری، دادرسی، پاسخها)، تهران، جنگل، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «پرونده شخصیت متهمان و ضرورت تشکیل آن در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۲. محسنی، مرتضی، کلیات حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. مرکز مطالعات نهاد ریاست جمهوری، حقوق کودک، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. نجفی توانا، علی، «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال پنجم، شماره ۱/۱۸، سال ۱۳۸۸ ش.